

نخستین شماره

قیمت اشتراك سالیانه ۳۰ دالر است بتوسط محفل مقدس روحانی طهران یا یکسر با اداره ارسال دارند

این جریده در هر ماه بهائی یکبار منتشر میشود و در مسائل متعلقه باین امر اعظم که مرقآت ترقیات مادی و معنوی نوع بشر و یگانه وسیله انتظام و همیان عالم است سخن میراند و مقالات نمیده که موافق این مقصد است قبول خواهد شد

شماره دوم ۹ ماه آپریل سنه ۹۲۱ هجری موافق ۱ ماه جلال سنه ۷۷ بهائی

شرق مطلع انوار است و مهبط وحی پروردگار

شیکانو حضرت اکبرخوس یوحنا داود

هو الله

ای شخص جلیل نامه شمارسید شرق مطلع انوار است و مهبط وحی پروردگار همواره شمس حقیقت از افق شرق طلوع نموده هر چند در بدایت در افکار فریبیان اهمیت نداشت بعد واضح و آشکار شد که تعالیم آسمانی موم آفاق را زنده میخاید لهذا امیدوارم که دوباره حقیقت تعالیم ادیان مقدسه که تعلیم واحد باز آفاق را روشن نماید و وحدت عالم انسانی اعلان گردد و این ابرهای تاریک جنک و قتال و تعصبات تقلیدی شلاشی شود و نور حقیقت شرق و غرب را روشن نماید و علیک التحیة و التاء . حیفاه کانون اول ۱۹۲۰ عبدالقهار عباس

کنوشن اول بجهانیان هندوستان

در ۲۷ ماه دسمبر سنه ۱۹۲۰ هجری قمری از بهائیان هندوستان و برما در بنده بزرگ بمبئی در عمارتی که همیشه مجلس بهائی میشود جمع شدند جناب پروفیسور شیرازی کنوشن را با تادوت مناجات باز کرد و جناب آقا میرزا محمود از قبل محفل بهائی بمبئی به جمیع دوستان و نمایندگان

تحت هیمنانه خوش آمدن و پذیرائی بنهایت محبت او نمود و بعد از مباحثات و مذاکرات در خصوص مشروعات مهمه نافعه و اقدامات شریفه خیریه جمیع حاضرین متحداً و متفقاً بر اجراء مسائل آتی تصدیق کردند :-

اولاً. عریضه‌ای بامضای جمیع بهائیان هندوستان و برما به حضور انور حضرت عبدالقهار ارسال کنند و بجا نمایند که طلعت میاکی به هندوستان تشریف فرمایند تا با انتخاب لجنة تنفیذیه از برای جمع کردن اعانات لازمه که در هندوستان مشرق الاذکار بمانند

ثانیاً. تأسیس مدرسه‌ای از برای تربیت و تعلیم نوجوانان بهائیان در شهر بمبئی

ثالثاً. ارسال مبلغین برای نشر دین بین در اهل هندوستان
رابعاً. شروع نوشتن و چاپ جریده بهائی بزبان فارسی و انگلیسی
سائماً. تأسیس کتابخانه و قرائتخانه بهائی در بمبئی
سابعاً. تأسیس شرکت از برای چاپ و ترجمه نوشته‌جات

بهائی بزبان هندی

ثانیاً. انتخاب نمودن چهار کمیته دیگر از برای اجراء کردن قرارهای کنوشن

وقایع کنوشن

وقایع کنوشن در جریده تیمس هندوستان و در قسمت انگلیسی این شماره نجم باختر منعقد با مکنهای که گرفته شده در کنوشن درج شده لهذا اینجا مختصراً ذکر میشود

نماینده‌گان محترمین خطابه‌های مهمه در حضور پاروفا
به نهایت خلوص و روحانیت و فصاحت و بلاغت بزبانهای
متعدد القامه نمودند. جمله در روز اول کنونشن
جناب پروفیسور شیرازی خطابه‌ی در خصوص احتیاج خلق
بیربی‌الهی حقیقی القامه و جناب وکیل در خصوص دین
عمومی: جناب جمشید خداداد در خصوص تحقیق یافتن
و عود حضرت سرودشت و جناب آقا سید مصطفی در خصوص
"المظهر الجدید الموعود فی التورات والانجیل"
در روز دوم کنونشن جناب پروفیسور شیرازی از این
مباحثه بهائی "شرعی داد و جناب ایاز" از ابایی که
عباد را از عبود حقیقی محجوب نموده "حجت داشت که
تکبر عرفا و خود پسندی اس اساس حیات نامرست
جناب وکیل شرعی داد در خصوص "فراموش کردن اساس
ادیان الهی و تمسک بتقالید" که این فراموشی منبث از
علای ادیان شده. جناب آقا میرزا حشمت‌الله در خصوص
"ساوات مابین حقوق رجال و نساء خطابه‌ی القامه
وامه الله مس استوارت امریکائی که در طهران مقیم است
وتازه از ساحت اقدس مراجعت نموده بود و در کنونشن
حاضر بود آن هم در همین مسئله ساوات نظری دلسوز
داده است. جناب آقا میرزا محمود نظمی داد در خصوص
"اثبات حقیقت ظهور حضرت بهاء الله بدلائل برهانی
باهره قرآن"
در روز سوم کنونشن جناب آقا میرزا محمود بریان ابدی خطابه‌ی
در خصوص "صلح عمومی" برده که حضرت بهاء الله
بیشتر از پنجاه سال پیش تأسیس فرموده. جناب وکیل
جلیل شرعی از "بقای ارواح" داد و جناب جمشید
خداداد بزبان فارسی خطابه‌ی القامه و در خصوص
"عمود انبیای الهی و انتظار ام برای ظهور اعظم حضرت
بهاء الله". جناب پروفیسور گدیس در خصوص شرح
شدنش و مساعده اقدس حضرت عبدالقادر ذکر نمود و از
خلق و خوی هیکل مبارک زبان گشود. جناب

پروفیسور پرتامینغ خطابه‌ی مفصلی در خصوص "عمل
مسئله اقتصادی" القامه و از اساسات مبارکه دیگر
مثل "وحدت لسان" بیان کرد.
این کنونشن مدت سه روز طول کشید بعد از آن
آیات و تفسیر و مناجات باسقی رسید.
نجم باختر: خیر این کنونشن اول هندوستان
سبب سرود جمیع یاران این سامان گشته شهبان
نیت که سایر بهائیان عالم با ما متحد میشوند و بیکار
بایک دل و یک زبان و دستان پرعت هندوستان و بر
از صمیم فریاد تهنیت و تبریک میفرستند که الحمد لله
آن یاران حقیقی حضرت عبدالقادر با وجود تنگی و سختی و بلا
که عالم و عالمیان را احاطه نموده به عقده چینی کنونشن عظیم
عظیم مرتفع نشوند با عزم ابد داریم که من قریب کنونشن
بهائی در جمیع ممالک دنیا منعقد شوند تا اتحاد و یکانگی
بیان بشر محکمتر شود و تعالیم این ظهور اعظم بیشتر منتشر
گردد و نتایج عظیمه حصول یابد و جمیع آفاق سوز شود
و لیس ذلك علی الله بعزیز

اخبار ایران کاشان

اوضاع ترقی امر بهائیان در کاشان بنمایان محبت عالیان
و همت محفل مقدس آن شهر این اوقات و اوان در نهایت خوشی
دائمان بوده و امر تبلیغ نهایت پیشرفت را داشته و احیای الهی مرتفع
بخدمت عظیمه و تأسیسات جدید گشته اند.
اولاً. تأسیس مدرسه بنات است چون تعلیم و تربیت بنات و هم
از مهمات امور است این اوقات احیای کاشان در موقع تشریف فرست
آقا میرزا امیر نیل زاده موفق بآن گشته اید و داریم که این
شجره مبارکه عمیقاً قویب نشود و تا کند و با تأخر طبعه علم و عرفان بارور
گردد. ثانیاً. محفل خدمت با سعادت محفل مقدس
روحان و اجازت رئیس معارف فرات خاتم عمومی بازگردد تا لایق
تأسیس محفل اتفاق جوانان بهائی است. محفل تدریس اخلاق

3

هرگز وکان خود را نمیبندد و از تجارت صرف نظر نکند .
 اوی وکنبا که بعد از آنکه در فرانسه در ایام جنگ ۱۶
 طیاره آلمانی پائین آورده و پایشانهای آنجا را با امریکای محبت
 کرد خود را بکار و کسب پرداخت زیرا میدانست که مردم شجاعت
 و جسارتی که در فرانسه اظهار کرده بود در امریکا نیز شجاعت
 شد و فقط با اسم و نشان نمیتواند مان بخورد لهذا به کار
 چسبید و گفت انسان نمیتواند بی حرکت بیستد .
 ان الفنی من بقول هاشدا به لیس الفنی من بقول کان ای
 ولی اصل حرکت روحانی است که بجای اید عیانت سبب
 اشغال و انجذاب است سبب ثبوت در ایمان است سبب هدایت نفس
 خافله و عمل بموجب تعالیم الهی است

رئیس تازه متر هاردینگ

در ۴ ماه مارچ سنه ۱۹۲۱ مدت بیست متر ویلسن
 پانتهی رسید و عوض متر هاردینگ رئیس ایالات
 متحدیه امریکا شد امید داریم که این رئیس محترم موفق شود
 با آنچه که رئیس سابق موفق نشد و آن تأسیس صلح عمومی
 و اسایش دول و ملل عالم است
 وقتیکه حضرت عبد البهار در امریکا تشریف داشتند
 در سال ۱۹۱۳ ایام انتخاب بوده متر بر این سکرتر
 سابق دولت امریکا از حضور مبارک دعای از برای متر
 ویلسن خواهش نمود و استدعایش قبول شد و دعای
 و رفق متر ویلسن مرقوم فرمودند بعد ملت و دولت امریکا
 متر ویلسن را انتخاب کردند بعضی از دوستان خراستند
 که هیکل مبارک با متر ویلسن ملاقات فرمایند ولی قبول
 نفرمودند بعد فرمودند که متر ویلسن الآن سرش با سمان
 رسیده میل داریم که متر تیر دور و زولت را ملاقات
 کنم زیرا نظریه بر ریاست بود و الآن محروم شد و خیلی
 محزون است بلکه دلش تا آخر عمرش شکسته خواهد بود
 خوشم میاید که با کاتبه دلخورد و نمکین هستم ملاقات نمایم
 * زخلق و زخوی جمال قدیم * حکایت کنده خوی عبد البهار *

۳

و تبلیغ و زبان عرف و غیره . امید و طید است که جمیع
 بتأیدان فیبه مؤید گردند و باین مقاصد عالیه موفق و نال شت

همدان

و همچنین بآئین همدان بواسطه قوه ایمان و همت محفل قوی
 به خدمات لایق موفق شدند علی الخصوص بفریاد این المبلغ
 رسیدند اسباب ضروری مهیا نمودند و راههارا برای اولین
 بار کردند که چند نفر از نفوس طیبه منقطعه به تبلیغ پرداختند

حرکت تبلیغی در ایران

خیر قیام ماوین یشاق بر نشردین رب الاقاق همیشه بب
 سرور ارجح و قلوب اهل وفا پرده و همت . شد
 حضرت شیخ ناطق و راضفهان و حضرت میرزا نیریزاده در
 کاشان و حضرت آقا میرزا یوسفخان در کوشاها و جناب آقا
 آقا سید اسدالله قی و آقا میرزا حسن نوش آباد در خراسان و جناب
 آقا محمد حسین زیدی در عراق و همدان و حضرت آقا میرزا محمدخان تبریزی
 در شیراز و آباده و اصفهان و قم و طهران و قزوین و حضرت آقا سید
 سمائی در طهران و عراق و جناب آقا شیخ ابوالقاسم دیبانی در حدود
 مازندران و حضرت آقا میرزا عبد الله مطلق در سنجان و طهران و همدان
 و حضرت ناصر شیرازی در همدان جمیع این ثوابها که در هر جا که
 بودند در رفتند و همتند سبب هدایت خاندان شدند و سرور
 یاران گشته .

حرکت سبب جیاست و سکون سبب

در دنیا نفوسیکه بر ریاضات و اقدامات گذشته خویش زیاد فکر میکنند
 بیارند و نفوسیکه بر ریاضات و اقداماتیکه باید اجرا نمایند کم هستند
 بی گامی میشود که شخصی آید و چنان موفق و مؤید در خدمت
 میشود که اسمش تا ابد لایقین بقعه یماند ولی از این قبل نفوس
 کم یاب هستند پر خوشبختی سعادت هر نفسیکه همیشه در
 فکر خدمات تازه مشغول است . درختی که فقط یک بار
 میوه میدهد یا چینی که در مدت عمر یک دفعه سیر میشود
 مرغوب و مقبول نیست . تا جرم اقل اگر روزی خوب ببرد

زیارت حضرت عبدالجبار

[بقیة از شماره اول جلد دوازدهم]
 چون قبیلہ قریش پھشم خودشان دیدند کہ یہود فرار
 کردند گفتند فی الحقیقہ آن شخص مخیر صاوق بود بدلیل اینکہ
 یہود قبول نکردند کہ رہا بن را بامدھند و الان میبینم کہ فرار
 کردند . بعد جمیع احزاب فرار کردند

بدترین چیزها جهل است

عباس عموی حضرت رسول مردی فقیری و سقی بود
 معرض و منکر ماند میگفت کہ چطور بوارکم کہ برادرزادہ من
 پیغمبر میشود اینست کہ جہلش از سعادت این دنیا و از عذرة ابدیم
 محروم شکر کرد و اگر ایمان آورده بود بہ مقامی عظیم میرسید زیرا
 حضرت رسول اساسہ سلطنت تاسیس نمود

استهزاء بحضرت رسول

وقتی کہ این سورہ مبارکہ نازل شد : **بَتَّ يَدَا أَبِي لَهَبٍ
 وَتَبَا مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ سَيَصْلَىٰ أَرَاؤُنَا لَهَبًا
 وَآثَرًا** **حَالَةَ الْخَطْبِ فِي جِدِّهَا حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ** . زن ابی لہب از خانہ
 بیرون آمد رفتہ کہ با حضرت رسول معاہدہ نماید در راه خواہرش
 دید خواہرش سؤال نمود یکا میزوی گفت پیش این مردیکہ
 بہ پیغمبری ادعا دارد خواہرش گفت چہ کار داری آنجا
 گفت میخواہم بفہم کہ چرا در حق من میگوید **حَالَةَ الْخَطْبِ**
 و در کردن من **حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ** و حال آنکہ من اشرف
 القباہل و ست العشار ہستم در کردن من **حَبْلٌ مِّنْ مَّسَدٍ**
 نیست بلکہ عقد ملواری است . خواہرش گفت و لش کن
 این مرد بلبہ است و براف است مہملات مگر نشینی کہ
 میگوید **شجرۃ الرقوم ثبتت فی جہنم** آیا هیچ ممکن است کہ درختی
 در آتش بزرگ شود .

۱۹۱۹

کسی نتوانست کہ بحضرت جبار اللہ استهزاء کند
 هرکس جمال مبارک را دید از عظمتشان تعجب میکرد حتی شعرائ

4

پرستان گفتند ما نمیکوئیم کہ پیغمبر است ولی سجز ایشان
 مانند آفتاب ظاهر در سابت خلق بہ جمیع انبیاء استہزاء
 نمودند فرعون بہ حضرت موسی گفت تو قتل نفس کردی و از
 بجازات فرار نمودی و الان او ما یکی کہ پیغمبری هستی
 ارض مقدس محل ولادت تائی است
 محل راحت قلب و فرج روح است

ملوک واقفا جمیع اسباب زندگانی مادی را دارند و فی درہم
 و غم ہستند در مدت دو سال امپراطور آلمان و امپراطور
 نما و امپراطور روس با ہما گلشان ہلاک شدند .
 بدایا متنوعات ولی سرور حاصل نمیشود الا براحت قلب
 و راحت روح راحت قلب و راحت روح حاصل نمیشود مگر
 در داخل شون و در ملکوت و خداوند ملکوت در این مقدس
 ظاہر میشود

النجاة في الصدق

دسمبر ۱۹۱۹ . در باغچہ در خانہ شرف بودیم پولیس از طرف
 ادارہ قرنیہ حیفاً آمد و این عبد را بہ قرنیہ برد زیرا از رہ بیرون
 بہ حیفاً آمدہ بودیم و در بیرون و با بود گفتند کہ باید بیخ روز در قرنیہ
 بمانیم ولی حکیم قرنیہ ہمز ساعت بندہ را مخرج کرد بہ حضور بایک کشن
 فرمودند چہ بود عرض کردم کہ با ادارہ قرنیہ آنچه سؤال کردی صدق
 جواب دادم فرمودند آفرین کہ صدق گفتی **النجاة في الصدق** .

حکایت جاسوس صادق

عیسی سردار این جاسوسی را بہ طرف مسکو طاهر سردار مأموز فرستاد
 و نتیجہ آنجا رسید طاهر او را دید سؤال کرد تو کی هستی گفت من جاسوس
 ہستم از طرف سردار میآیم تا قشونہای شمارا ببینم و برگردم با خبر
 دہم طاهر از این جواب بہوت شد و او را بہ چادر خود برد و رہایت کرد
 طاهر و بدایت مخوات در ہر حال او را بکشند کہ اگر جاسوس است از شورش
 خلاص میشد و اگر جاسوس نہ بود کشتن یک نفر چندان اہمیتی ندارد ولی
 خبر باوشام داد و محل خوابش معین کرد و ہر دو رفتند خوابیدند فردی
 از شب گذشت طاهر دید کہ ان جاسوس روی دوشک نشسته بود پرسید
 چہ کاری کنی گفت منتظریم کہ جوابی نابخشم و جہنم [بقیہ دارد]
 در انجاہ حنیاء